



A Comparative Study of Krachkovsky and Zinalf Performance in Translation of Quran

Zahra Heydari Abravan

Postdoctoral Researcher, Theology Faculty, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
zahra.heidary@mail.ru



Orgina Research

Received:

2022-08-25

Accepted:

2022-11-24

Keywords

Translation
of the Quran;
Translator
Personality;
Russian
Translation;
Krachkovsky;
Zinalf.

Abstract

Krachkovsky and Zinalf are one of the prominent Russian figures in the field of translating the Holy Quran. In spite of the long time period elapsing between them, they have almost identical and much better performance than the other Russian translators of the Quran. Krachkovsky has been acquainted with the Quran for many years and has taught it at university. But, Zinalf has seminary knowledge and his acquainted with the Quran is due to familiarity with different Quranic sciences in Seminary School of Qom. The question of article is that despite the fluency of both in Arabic, which one had a better translation? Analytical review of content shows that Zinalf had a more successful performance than Krachkovsky because of his greater linguistic knowledge of the Holy Qur'an (i.e. correctly understanding of the text and mastering on it, not merely having fluency in text language). Seems this comparative superiority is not unrelated to his educational environment

بررسی تطبیقی عملکرد کراچکوفسکی و زینالف در عرصه ترجمه قرآن کریم

زهرا حیدری آبروان

پژوهشگر پسدادکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران zahra.heidary@mail.ru

چکیده: کراچکوفسکی و زینالف، هر دو از شخصیت‌های برجسته روس در زمینه ترجمه قرآن کریم هستند که علی‌رغم فاصله زمانی زیاد میان ظهور ایشان، عملکردی تقریباً یکسان و بسیار بهتر از سایر مترجمان روسی قرآن کریم داشته‌اند. کراچکوفسکی سال‌های بسیاری با قرآن کریم مانوس بوده و آن را در دانشگاه تدریس داشته است. اما زینالف دارای دانش حوزوی بوده و انس وی با قرآن، از نوع شناخت علوم مختلف قرآنی در حوزه علمیه قم است. پرسش مطرح در این پژوهش آن است که علی‌رغم تسلط هر دو به زبان عربی، کدامیک توانسته ترجمه بهتری ارائه کند؟ بررسی تحلیلی محتوایی نشان می‌دهد زینالف به دلیل داشتن دانش زبانی بیشتر از قرآن کریم به معنای تسلط و درک صحیح از متن و نه صرفاً تسلط به زبان متن- عملکرد موفق‌تری نسبت به کراچکوفسکی داشته و به نظر می‌رسد این برتری نسبی، بی‌ارتباط با محیط تحصیل وی نباشد.

صص: ۸۷-۱۰۳

مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۹/۰۳

کلید واژه‌ها:

ترجمه قرآن؛

شخصیت‌شناسی

مترجم؛

ترجمه روسی؛

کراچکوفسکی؛

زینالف.

بیان مسأله

داشتن دانش تخصصی برای ترجمه در هر حوزه، یکی از معقول‌ترین بنیان‌های اولیه برای شروع ترجمه یک اثر است. این مهم در آثاری مانند قرآن کریم که نیاز به چندجانبه‌نگری مترجم دارد بیشتر قابل مشاهده است. از سوی دیگر، هنگامی که یک اثر توسط مترجمان مختلف بارها ترجمه می‌شود، این امر بر برخی مترجمان مشتبه می‌گردد که شاید ایشان نیز بتوانند اثر مذکور را ترجمه کنند. در خصوص قرآن کریم، شاید دیدگاه منفعت‌طلبانه وجود نداشته و بیشتر به نیت معرفی سخنان خداوند به مخاطبان غیرعربی به قصد قرب به پروردگار باشد، اما ضعف اساسی که همان نداشتن تخصص و شناخت کافی از زوایای مختلف قرآن کریم است، نتیجه حاصله را با مخاطراتی همراه کرده و بسا ممکن است فهمی نادرست از آیات را به مخاطبان عرضه کند که هیچ شناختی از قرآن جز از راه خوانش ترجمه آن ندارند. البته این نکته درباره تمام آثار ترجمه‌شده صادق است و داشتن تخصص در زمینه مرتبط با آن اثر مهم است، اما اهمیت آن در بازگردانی مفاهیم قدسی قرآن کریم به مراتب بیشتر است. لذا باید دید مترجم چگونه دانش زبانی متن را حاصل کرده است و در حوزه مباحث مربوط به ترجمه قرآن کریم دارای چه دانش‌ها و تخصص‌هایی است.

برای مثال، از مؤلفه‌های استاندارد و اصلی ترجمه به هر زبانی، آشنایی و تسلط کامل به زبان مبدأ و مقصد است و این از نکات بدیهی حوزه ترجمه است؛ لذا یک مترجم قرآن، در گام اول باید مسلط به زبان عربی - زبان مبدأ - و نیز مسلط به زبان مقصد باشد. اما برای فهم قرآن این مقوله به‌تنهایی کافی نیست و میزان انس مترجم با متن قرآن نیز ملاک عمل است.

بر این اساس، ابتدا سیری تاریخی از ترجمه قرآن کریم به زبان روسی و معرفی تنی چند از مترجمان و سابقه تخصصی ایشان در شناخت دانش‌های مربوط به حوزه قرآن کریم، بیان شده و در ادامه با بررسی عملکرد دو مترجم منتخب این پژوهش، یعنی کراچکوفسکی و زینالف که هر دو به زبان عربی مسلط هستند و از شاخص‌ترین مترجمان قرآن کریم به زبان روسی به‌شمار می‌آیند؛ در ذیل برخی آیات، این مهم به اثبات رسیده که ترجمه‌ای

موفق تر است که مترجم با قرآن کریم انس مفهومی بیشتری از جنس علوم قرآن داشته باشد.

۱. مروری بر پیشینه ترجمه‌های روسی قرآن

تاریخ ترجمه قرآن به زبان روسی، مراحل مختلف و البته جالب توجهی را پشت سر گذاشته که دو روی یک سکه را نشان می‌دهد. یک روی آن از نظر منبع ترجمه بوده و روی دیگر آن از حیث مترجم آن است.

به لحاظ منبع، ابتدا این ترجمه‌ها نخست از زبان فرانسه و نه از اصل عربی آن به روسی ترجمه شد و تنها یک ترجمه است که از نسخه انگلیسی به روسی بازگردانی شده است. نخستین کسی که قرآن را هم از حیث اولین ترجمه رسمی و هم از نظر منبع از فرانسه به روسی بازگرداند، پوسنیکوف است که در اوایل سده ۱۸ میلادی و از روی ترجمه فرانسوی دوره صورت گرفت. ترجمه فوق به ابتکار پتر کبیر انجام شد که شروع حرکتی برای ترجمه قرآن بود. زیرا اگرچه ترجمه پوسنیکوف به دلیل اشکالات بسیار ناشی از ترجمه از فرانسه، مورد اقبال و توجه خاصی قرار نگرفت، اما به لحاظ شروع، این حرکت سرمنشأ شکل‌گیری ترجمه‌هایی شد که از نظر دقت و سبک کار، ترجمه قرآن به روسی را ارتقاء دادند.^۱

از نسخه دوره، دو ترجمه دیگر شکل گرفت که یکی از آن شخصی ناشناس و دیگری متعلق به وریوکین است که بر شاعرانی همچون پوشکین، تأثیرات شگرفی گذاشت و منجر به خلق اثر ارزشمند «تأسی از قرآن» توسط او شد. دو سال پس از وریوکین، نسخه دیگری از ترجمه انگلیسی بازگردانی شد که مطلقاً به کالماکوف بود و البته اولین و تنها ترجمه از نسخه انگلیسی قرآن کریم بوده است.^۲ اندکی پیش از آن، در کنار متن روسی، متن عربی قرآن با تلاش شخصی به نام ملا عثمان اسماعیل و به دستور کاترین دوم، به طبع رسید. این قرآن در فاصله زمانی کوتاه ۵ بار به چاپ مجدد رسید و قرآن‌های معروف قازان نیز از

۱. پاکتچی؛ «گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی»؛ ترجمان وحی، ۳، ۷۶.

۲. شجاعی؛ «تاریخچه ترجمه قرآن به زبان روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود»؛ صحیفه مبین، ۶۹.

روی همین اثر، نسخه‌برداری شدند.^۱ این ترجمه‌ها غالباً فاقد ارزش علمی بوده و بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی از وجود قرآن داشتند، زیرا هم از سوی افراد غیرمتخصص و هم از منبعی غیر از منبع اصلی ترجمه‌شده بودند،^۲ و البته همان‌طور که اشاره شد در بهبود روند ترجمه‌های قرآن اثرگذاری مثبتی داشتند. پس از چندین بار ترجمه قرآن از منبع غیراصلی، نهایتاً در دهه هفتاد سده ۱۹، نخست یک ترجمه از سوی باگلاگوفسکی،^۳ که مورد توجه نیز قرار نگرفت؛ و سپس ترجمه دیگری از سوی سابلوکوف به‌طور هم‌زمان اما مستقل از یکدیگر، از نسخه اصلی قرآن به روسی ترجمه شدند.^۴ ترجمه اخیر را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ ترجمه‌های قرآن به زبان روسی دانست. زیرا به‌قدری موفق و ارزشمند بود که تا ۸۵ سال پس‌از آن و ظهور ترجمه کراچکوفسکی که هنوز بر تارک تاریخ ترجمه روسی می‌درخشد، ترجمه سابلوکوف بی‌رقیب و قابل‌پذیرش بود.^۵ پس از وی؛ ترجمه کراچکوفسکی به‌قدری تأثیرگذار بود که حتی تا دوران معاصر نیز، در کنار سایر ترجمه‌های جدید از آن به نیکی یاد شده و هنوز مورد استفاده و توجه قرار دارد.^۶

پس از ترجمه کراچکوفسکی، دوره دیگری از تاریخ ترجمه قرآن به زبان روسی آغاز شد که به تعبیری می‌توان آن را روی دیگر سکه این تاریخ دانست و آن از حیث مترجم قرآن است. زیرا در این دوره که نقطه آغاز آن فروپاشی شوروی بود، مسلمانان به حوزه ترجمه قرآن ورود پیدا کرده و ترجمه‌هایی توسط ایشان انجام گرفت. از جمله آنها والریا پروخووا است که رویه کار خود را براساس اثر کراچکوفسکی قرار داد، اما از سوی برخی منتقدان مورد انتقادات شدید واقع شد.^۷ پس از پروخووا، ترجمه نوری عثمانف به‌طبع رسید و پس از وی قلی‌یف و بعد از او اثر ابوعادل به‌عنوان ترجمه قرآن چاپ شده است.^۸ ترجمه‌هایی که

۱. شجاعی؛ «تاریخچه ترجمه قرآن به زبان روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود»؛ صحیفه مبین، ۶۹.

۲. پاکتچی؛ «گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی»؛ ترجمان وحی، ۳، ۷۷.

۳. کراچکوفسکی، ترجمه روسی قرآن، ۸.

۴. شجاعی؛ «تاریخچه ترجمه قرآن به زبان روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود»؛ صحیفه مبین، ۵۰، ۷۰.

۵. پاکتچی؛ «گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی»؛ ترجمان وحی، ۳، ۸۱.

۶. دراین باره نک: حاتم، عمادالدین؛ «ترجمه قرآن کریم به زبان روسی (از سابلوکوف تا پروخووا)»؛ ترجمان وحی، ۵۶.

۷. حاتم، عمادالدین؛ «ترجمه قرآن کریم به زبان روسی (از سابلوکوف تا پروخووا)»، ۵۷.

۸. شجاعی؛ «تاریخچه ترجمه قرآن به زبان روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود»؛ صحیفه مبین، ۵۰، ۷۴.

از آنها نام برده شد در پژوهش‌های گوناگون مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند. از جمله آکادمی علوم روسیه در مقاله‌ای که توسط انتشارات ناوکا^۱ در سال ۱۹۸۴ میلادی و به قلم گریازنوویچ منتشر کرده، به بررسی دقیق ترجمه‌های قرآن کریم که تا آن زمان چاپ شده‌اند، پرداخته است؛ اما در دهه اخیر چندین ترجمه جدید از قرآن صورت گرفته که در پژوهش‌های رسمی هنوز از آنها یاد نشده است. یکی از این ترجمه‌ها از آن «المیر قالویف» آذربایجانی است که به دلیل برگردان دل‌خواهانه از بعضی آیات، دادگاه روسیه ورود آن به خاک روسیه را ممنوع اعلام کرد و آن را موجب به خطر افتادن امنیت ملی روسیه دانست. از تحلیل‌ها چنین برمی‌آید که عربستان از ارائه این ترجمه که مبتنی بر آموزه‌های وهابیت است حمایت کرده؛^۲ و به دلیل جمع‌آوری از خاک روسیه، دسترسی به اصل ترجمه به‌منظور بررسی محتوای آن میسر نشد.

از میان ترجمه‌های گوناگون انجام‌شده توسط مسلمانان پس از فروپاشی شوروی، ترجمه دیگر از آن زینالف است که برای اولین بار از سوی یک شیعه ارائه گردیده است. این اثر شانزدهمین ترجمه قرآن کریم است و آن‌چنان که از فحوای این ترجمه برمی‌آید مترجم سعی داشته تا میان دو روش تحت‌اللفظی و ترجمه مفهومی را جمع نموده و اشتباهات پیشینیان را تکرار نکند. زینالف در ایران تحصیلات عالی حوزوی خود را به پایان رسانده و بر زبان عربی تسلط دارد کما اینکه تشیع وی در ترجمه و برداشت‌های او از قرآن و بازگردانی آنها بی‌تأثیر نبوده است. یکی از ویژگی‌های ترجمه وی توجه به ترجمه‌های فارسی به‌خصوص ترجمه مکارم‌شیرازی است. همچنین این اثر به‌عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی انتخاب شد و در ابعادی گسترده انتشار یافت که شاید بتوان گفت دسترسی به آن هم‌ردیف دسترسی به ترجمه کراچکوفسکی است. افزون بر آن تصریف‌ها و گزینش‌های واژگانی وی ترجمه‌ای عصری از قرآن کریم ارائه کرده است که نقد و بررسی آن، می‌تواند میزان رسابودن استفاده از زبان روسی معاصر در ترجمه قرآن را نشان

2. Наука (nau:ka)

3. <https://vareth.ir/news/2517>

دهد. از بررسی آثار وی چنین برمی آید که حضور ۱۴ ساله وی در حوزه علمیه قم و تحصیل علوم مرتبط با قرآن کریم، در رشد دانش تخصصی او تأثیر بسیاری داشته که این همه منجر به ارائه ترجمه‌ای بسیار قابل قبول شده است.

آخرین ترجمه قرآن به زبان روسی نیز که اخیراً با حمایت رئیس اداره روحانیت جمهوری تاتارستان (اداره دینی مسلمانان تاتارستان) و توسط گروهی ۴۰ نفره از محققان دین اسلام به انجام رسیده، عنوان «قرآن؛ بازخوانی معانی» را داراست که به ترجمه مفهومی قرآن به روسی نیز مشهور و به سفارش بنیاد مطالعات اسلامی روسیه منتشر شده است. همچنین ترجمه دیگری به قلم یفیم رضوان در دست انجام است که به زودی به طبع خواهد رسید.^۱ آنچه از بررسی ترجمه‌های قرآن در مرحله دوم می‌توان بیان کرد آن است که پس از شروع حرکت ترجمه قرآن توسط مترجمان مسلمان، دیگر کسی از غیرمسلمانان به این کار مبادرت نورزید و این امر در نوع خود قابل توجه است.

با توجه به سابقه اقبال عمومی به ترجمه، از میان انبوه ترجمه‌های روسی قرآن کریم، کراچکوفسکی و زینالف به‌عنوان گزینه‌های بررسی انتخاب شده‌اند تا مشخص شود، با توجه به اینکه هر دو به زبان عربی مسلط بوده و در قرآن پژوهش‌هایی داشته‌اند، کدامیک در دانش زبان قرآن موفق‌تر عمل کرده است. البته شایان ذکر است، از آنجایی که هر دو مدت بسیاری با متن قرآن مأنوس بوده‌اند، تنها از حیث بررسی ترجمه می‌توان میزان اثرگذاری این انس بر مترجم را تعیین کرد.

۲. سنجش عملکرد تخصصی مترجمان در ذیل برخی آیات

۲-۱. آیه ۹۵ سوره انعام

محل بحث در آیه «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ» (انعام: ۹۵)، نحوه ترجمه «يُخْرِجُ» و «مُخْرِجُ» است. واژه «مُخْرِجُ» اسم فاعل است و اگر مترجم به اسم فاعل بودن و دلیل آوردن آن پس از یک فعل که به لحاظ وزن و ریشه هم‌خانواده آن است، دقت نداشته باشد؛ به احتمال زیاد این اسم

1. <https://iqna.ir/fa/news/3860971>.

را همچون فعل پیش از آن یعنی «يُخْرِجُ» معنا خواهد کرد. درحالی که عدم استمرار در اسم فاعل «مُخْرِجٌ» و البته ثبات و استقرار موجود در آن و نیز استمرار در فعل «يُخْرِجُ» از نظر مفهومی قابل توجه بوده و بدان معناست که این دو واژه بیانگر دو تفکر در خصوص آفرینندگی پروردگار هستند که یکی استمرار بیرون آوردن زنده از مرده و دیگری اصل فاعلیت این عمل را برای خداوند بیان می‌کند.^۱ نکته قابل تأمل در خصوص این آیه تقابل دو عنصر فعل و اسم است که البته در برخی آیات دیگر همچون آیات ۳۳ انفال، ۱۹۳ اعراف، ۱۹ ملک نیز تکرار شده است.^۲ این تقابل فعل در مقابل اسم نشان‌دهنده اثبات خاصیت‌های این هردو در آن واحد برای خداوند است. زیرا در فعل ویژگی‌هایی است که در اسم نیست. برای مثال فعل در زمان‌های خود دلالت بر استمرار، تجدد و یا حدوث دارد درحالی که اسم استقرار و ثبوت را می‌رساند.^۳ حال که در مرحله دریافت، مفهوم اصلی حاصل گشت؛ باید متوجه این نکته بود که در پرداخت آن در زبان مقصد نیز ملاحظاتی وجود دارد. برای مثال در زبان فارسی مقوله‌ای به نام اسم فاعل در عمل وجود ندارد و برای بیان معنای معادل این واژه لازم است از صفت فاعلی که خود می‌تواند ترکیبی از دو یا چند کلمه باشد، استفاده گردد و در این مورد ترکیب «خارج‌کننده» معادلی است که می‌تواند افزون بر رسانش معنایی، مخاطب فارسی‌زبان را نیز اقناع کند. به‌هرروی نکته مهم در این فرآیند آن است که واژه «مُخْرِجٌ» یا هر اسم دیگری، در معنایی خارج از آنچه در آن وجود دارد بازگردانی نشده و در این مثال به‌صورت ترکیب فعلی ارائه نگردد.

در زبان روسی معادل اسم «مُخْرِجٌ» ترکیب پریچاستیه «ВЫВОДЯЩИЙ:vivadiashee» است که در روسی معاصر کاربرد بسیاری دارد و معادل فعلی آن «ВЫВОДИТ:vivadit» است که زینالف به‌درستی هر دو مورد را رعایت کرده

۱. نک: السامرای، فاضل الصالح؛ *التعبیر القرآنی*؛ ۲۲.

۲. برای بررسی بیشتر نک: امانی، رضا و دیگران؛ «ترجمه معناشناختی عناصر اسمی-فعلی در قرآن»؛ مطالعات ترجمه قرآن حدیث، سراسر اثر.

۳. السامرای؛ *التعبیر القرآنی*؛ ۲۲.

است.^۱ اما کراچکوفسکی برای هر دو واژه از معادل فعلی «ИЗВОДИТ:izvudit» استفاده کرده است که لااقل صورت اسمی «مُخْرَجٌ» را در نظر نگرفته است.^۲

۲-۲. آیه ۲۵۱ سوره بقره

در این آیه «... وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَي الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱) واژه «دفع» و نوع آن محل بحث است که به لحاظ نوع کلمه، اسم بوده و نقش مبتدا را داراست، اما در عمل یک مصدر متعدی و شبه فعل است و نباید به صورت اسمی ترجمه شود. کراچکوفسکی در ترجمه خود معادل اسمی «Не удерживание:ni udirzhivaeshie»^۳ را به کار برده که با توجه به نوع جمله بندی در زبان روسی، یعنی استفاده از پادژ متممی برای ترجمه این جمله، معادل انتخابی وی به لحاظ نقش دستوری صحیح است،^۴ اما به لحاظ معنا که دور نگه داشتن را در ذهن مخاطب تداعی می کند، اشتباه به نظر می رسد و باید از معادلی همچون «Сдерживание:zderzhivanie» استفاده می کرد. اما زینالف هم در ساختار و هم در معنا نزدیک به صحت عمل کرده است.^۵

۲-۳. آیه ۱۵-۱۶ سوره مزمل

اسامی یا به صورت معرفه هستند و یا نکره و وجه سومی در این باره در زبان عربی وجود ندارد. بر این اساس اگر اسامی در گروه شش تایی معارف^۶ نباشند، نکره هستند. از روش های معرفه ساختن اسم، افزودن «ال» به اسم و یا افزودن آن به یکی از معارف است. واژه «رسول» در این آیه به صورت اسمی نکره آمده: «...كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا» و در آیه

1. Zeynalov, p. 140.

2. Krachkovski, p. 114.

3. Krachkovski, p. 43.

4. Пулькина, И.М.; учебник русского языка; 75-85.

5. Zeynalov, N. p. 41.

۶. اسم علم، ضمیر، معرف بال، موصول، اسم اشاره، مضاف به معرفه.

بعد به دلیل آن که در آیه پیشین در خصوص آن توضیح داده شده است به صورت معرفی و همراه با «ال» عهد ذکری بیان شده است: «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا». مترجم باید متوجه این توالی تعریف و تنکیر اسمی باشد. در زبان فارسی «رسول» نخستین را باید «پیامبری / یک پیامبر» معنا کرد و «رسول» دوم را که با ال عهد ذکری همراه شده می‌بایست «آن پیامبر / همان پیامبر» برگرداند. این آیه نشان می‌دهد «ال» به لحاظ شخصیت و نقش دستوری باید در زبان مقصد بازطراحی شود که در هر زبانی به فراخور ظرفیت‌های زبانی آن این امر توسط مترجم صورت می‌گیرد که توجه به آن، نشان از تسلط مترجم به دانش هر دو زبان مبدأ و مقصد است.

در زبان روسی مفهوم معرفی و نکره بیشتر به کمک ضمائر مبهم بیان می‌شود،^۱ ولی چون در این آیه استفاده از ضمائر مبهم به مفهوم لطمه وارد می‌کند. به نظر می‌رسد کراچکوفسکی با کاربرد واژه «Посланца: paslanitcia» متناسب ترجمه کرده است.^۲ این تناسب در ترجمه زینالف نیز دیده می‌شود و البته هر دو از معادل اسمی بهره برده‌اند.^۳

۴-۲. آیه ۲۳ سوره طه

در این آیه «لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى» برای صفت «الکبری» دو نوع از اعراب بیان شده است. برخی آن را صفت برای «آیات» می‌دانند،^۴ برخی دیگر آن را مفعول دوم فعل «نُري» دانسته‌اند.^۵ به نظر می‌رسد مراجعه به بافت آیات هم‌موضوع در قرآن نشان می‌دهد، همواره این واژه صفت برای «آیات» است. از جمله در آیه ۲۰ سوره نازعات «فَأَرَاهُ الْكُتُبَى» این وضوح وجود دارد که واژه «الکبری» صفت برای «آیه» است، کما اینکه در همین آیه نیز فعلی از ریشه «رأی» ذکر شده است. نکته دیگر آنکه این صفت تفضیلی بوده و باید تفاوت

1. Pulkina, E.M.; Uchiebnik ruskova eezika, 256.

2. Krachkovski, p. 465.

3. Zeynalov, p. 574.

۴. درویش؛ اعراب القرآن الکریم و بیانہ؛ ۶، ۱۷۶.

۵. دعاس؛ اعراب القرآن، ج ۲، ۲۵۷.

آن با «الکبیره» که معنای بزرگ می‌دهد، نشان داده شود. نکته مهم دیگر وجود «من» تبعیضیه است که اشاره به برخی آیات بزرگ دارد و به نظر می‌رسد در نظر گرفتن این سه نکته، ارتباط مستقیمی با دقت مترجم دارد. با این تفصیل، ترجمه آیه چنین خواهد بود: «تا برخی از بزرگترین نشانه‌های خویش را به تو نشان دهیم». در ترجمه‌های روسی زینالف با ترجمه:^۱

дабы показать тебе (некоторые) из знамений наших величайших.

ترجمه بهتری ارائه کرده زیرا حرف اضافه среди:cridi در ترجمه کراچکوفسکی:^۲
Чтобы показать тебе среди наших знамений величайшее,

به معنای «از میان» می‌دهد و حرف اضافه из: iz در ترجمه زینالف بهتر است.

۵-۲. آیه ۹۷ سوره اسرا

در فراز پایانی این آیه عبارت «كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» وجود دارد. واژه «سَعِيرًا» تمیز جمله و منصوب و رفع‌کننده ابهام از فعل ماضی «زدناهم» بوده است. البته نکته کلیدی این است که با وجود مفعول به «هم» نمی‌توان به هنگام ترجمه، نقش تمیز موجود در آیه را به شکل مفعول به در زبان فارسی بازگردانی نمود، زیرا معادل تمیز در زبان فارسی عموماً متمم قیدی است^۳ و با مفعول متفاوت است و انجام اینکار به نوعی تفکیک تمیز از عناصر دیگر جمله است. البته در این آیه چون میان مفعول و تمیز تفاوت فعلی وجود دارد، نمی‌توان واحد ترجمه را واژه «سَعِيرًا» دانست و بلکه باید کلیت جمله را در نظر داشت. برخی با عدم تفکیک واحد ترجمه که در اینجا جمله است، آن را به صورت مفعول بازگردانی کرده‌اند و

1. Zeynalov, p. 422.

2. Krachkovski, p. 312.

۳. نک: فرشیدورد، دستور مختصر تاریخی زبان فارسی؛ ۲۰۸.

معادل‌های «شعله‌اش را» «شراره‌ای تازه را» استفاده کرده‌اند.^۱ درحالی‌که برای حفظ تعادل نحوی - بلاغی لازم است عبارت «زدناهم سعیرا» که یک جمله است به‌طورکلی ترجمه شده و این معادل پیشنهاد می‌شود: «بر شعله‌وری آنها می‌افزاییم». چون بهترین نوع ترجمه تمیز لاقل در زبان فارسی، استفاده از همین تفکیک میان تمیز و سایر عناصر نحوی است که از حروف و یا عباراتی مانند: به لحاظ، به، بر، در، از، از جنبه، به‌عنوان و مشابه آن استفاده می‌شود که اصل در ترجمه تمیز جمله بوده و از مشهورترین شیوه‌های ترجمه تمیز است.^۲

در ترجمه‌های کراچکوفسکی و زینالف هر دو ترجمه به یک صورت بیان شده‌اند.^۳ با این تفاوت که کراچکوفسکی از واژه آتش^۴ و زینالف از واژه شراره یا شعله^۵ استفاده کرده‌اند و فعل کراچکوفسکی زمان حال (اضافه می‌کنیم) و فعل زینالف زمان آینده (اضافه خواهیم کرد) است که به لحاظ مفهومی برابری دارند.

۶-۲. آیه ۱۵ سوره طه

در آیه «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» فعل «أخفيتها» در تفاسیر به دو وجه معنا ذکر شده است. برخی آن را از نوع «شدت کتمان و پنهان داشتن» دانسته و معتقدند که در کلام عرب اگر کسی قصد مبالغه در پنهان کردن چیزی داشته باشد چنین خواهد گفت: «برای اصرار بر کتمان چیزی نمانده که آن را از خود نیز پنهان دارم!». در این آیه نیز براساس آنچه در میان اعراب مرسوم است مورد خطاب قرار گرفته و وصف قیامت برای ایشان شده است.^۶ اما در مقابل برخی دیگر معتقدند وجه سلبی در این آیه غالب بوده

۱. برای مثال نک: حدادعادل، ترجمه قرآن، ذیل آیه؛ بهرام‌پور، ترجمه قرآن، ذیل آیه.

۲. مقیاسی و دیگران؛ بررسی سازوکارهای مترجمان قرآن در ترجمه تمیز، ۷.

2. Krachkovski, p. 250; Zeynalov, p. 361.

3. Огня (Ognia: آتش)

4. Пламени (Plameni: شعله)

۶. طبری؛ تفسیر طبری؛ ج ۱۶، ۱۱۵.

و منظور از این فعل شدت پنهان داشتن نیست و بلکه «أخفیها» از ماده «خفاه» به معنای «أظْهَرَه» بوده^۱ و ظهور آن نزدیک برشمرده شده است. به نظر می‌رسد وجه صرفی این فعل بر مبنای آنچه زمخشری و برخی دیگر اظهار کرده‌اند صحیح‌تر از نظر اول است و خود باب افعال که دارای معنای «سلب و ازاله اثر فعل» است نیز این مطلب را تأیید می‌کند. از آن مهم‌تر وجود آیات هم‌موضوع در قرآن است که آنها نیز نزدیک بودن قیامت را تأیید می‌کنند. مانند آیات ۱۸۷ سوره اعراف، آیه ۱ سوره واقعه، قمر، نحل، تکویر، انفطار، انشقاق بر نزدیک و آنی بودن قیامت تأکید دارند. همچنان که در هیچ آیه‌ای از قرآن کریم بر پوشیده داشتن قیامت سخنی ذکر نشده و همین نبود مؤید موضوعی، بر این نکته صحت می‌گذارد که در این آیه وجه دوم صحیح‌تر است و باید ترجمه‌ای نزدیک به این مضمون بیان داشت: «روز قیامت به تحقیق واقع‌شدنی است و زمانی نمانده است که آن را آشکار سازم (و از خفا برون آورم)». در ترجمه‌های کراچکوفسکی و زینالف چنین آمده است:

کراچکوفسکی:^۲

Поистине, час приходит, Я готов его открыть, чтобы всякая душа получила воздаяние за то, о чем старается!

زینالف:^۳

Поистине, (Судный) час - грядущий, сделал Я его скрытым, дабы ваздалось всякой душе за то, к чему стремится она!

که اگر ترجمه کراچکوفسکی به فارسی برگردان شود چنین خواهد بود: «همانا آن زمان فرا خواهد رسید و من آماده هستم که آن را آشکار سازم تا هر فردی پاداش آنچه که برایش در سعی و تلاش است را دریافت کند» و اگر ترجمه زینالف به فارسی بازگردانی شود، این

۱. نک: زمخشری؛ الکشاف؛ ج ۳، ص. ۵۶؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۲، ۲۲.

1. Krachkovski, p. 313.

2. Zeynalov, p. 422.

خواهد بود: «همانا زمان (جزا) می آید و من آن را آشکار ساختم تا به هر فردی پاداش آنچه که برایش در سعی و تلاش است، داده شود». جالب آنکه هر دو معنای «أَكَادُ أَخْفِيهَا» را زمانی نزدیک به آشکارشدن دانسته و از این روی به صحت نزدیک شده‌اند؛ این نکته نشان می‌دهد زینالف به صحت مفهوم نیز توجه داشته است.

۲-۷. آیه ۱۵ سوره حج

در این آیه «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا...» فعل کان و یظن از نظر زمانی معادل ماضی استمراری در زبان فارسی است و نشان از عملی دارد که منشأ آن پیش از زمان حال است،^۱ که نباید به صورت زمان حال ترجمه گردد، زیرا در این فعل، به منشأ بدگمانی به خداوند از نظر زمانی اشاره دارد که از قبل بوده است؛ و به خاطر همین عمل که از گذشته وجود آمده عمل «حلق آویز کردن خود به سبب خشم از خداوند» را شخص انجام می‌دهد. لذا اگر این گونه بازگردانی شود بهتر است: «هر کس می‌پنداشته است که...». در ترجمه‌های روسی این عبارتها استفاده شده است:

کراچکوفسکی:^۲

Кто думает, что Аллах не поможет ему ...

زینالف:^۳

Кто полагает, что Аллах не поможет ему...

که به دلیل وجود دو نوع فعلی «СВ» و «НСВ» در ساختار زبان روسی که اولی بر افعال مطلق و دومی بر افعال استمراری دلالت دارد؛^۴ و انتخاب مترجمان روسی که از نوع

۱. معروف؛ فن ترجمه؛ ۱۷۴.

1. Krachkovski, p 342.

2. Zeynalov, p 460.

3. Караванов. А.А; виды русского глагола: значение и употребление; 3-10.

(کاراوانف، ویدهای فعل روسی، شناخت و کاربرد، ۳-۱۰)

دوم بوده و بر استمرار دلالت دارد، به نظر می‌رسد دقت بیشتری اعمال شده است. هر چند معادل انتخابی زینالف یعنی فعل «ПОЛОГАЕТ:palgagaet» بهتر توانسته وجه «پنداری و توهّم» موجود در «یظن» را نشان دهد.

۸-۲. آیه ۴ سوره یوسف

در این آیه آمده است: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ». از مفهوم‌شناسی الفاظ و ترکیبات می‌توان به چنین ترجمه‌ای دست یافت «آنگاه که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم! دیدم آن‌ها را که بر من سجده می‌کنند». در این آیه فعل «رَأَيْتُ» چنین به مخاطب القا می‌کند که حضرت یوسف در بیداری سجده کردن خورشید و ماه و ستارگان را بر خود دیده است. در حالی که با مراجعه به آیه بعد و مشاهده لفظ «رُؤْيَاكَ» در ترکیب آیه «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ...» مشخص می‌گردد که در ترجمه باید معادل «رَأَيْتُ» را خواب دیدن در فارسی قرار داد و بدون رجوع به آیه مجاور حتی ممکن است فهم کلی آیه مورد خدشه قرار گیرد.

کراچکوفسکی از معادل «ВИДЕЛ:videl» استفاده کرده است؛ و زینالف از همین فعل اما با عبارت توضیحی «ВО СНЕ:va cnie» در پرانتز ترجمه خود را اصلاح نموده و در خواب دیدن را برای مخاطب توضیح داده است که ترجمه زینالف درست و به دور از شائبه است.^۱

۹-۲. آیه ۱۷۴ سوره صافات

در این آیه، به پیامبر دستور داده شده است: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ» یعنی «تامدتی از آن‌ها روی بگردان»؛^۲ در حالی که در آیات همجوار اشاره به فرستادگان و جنود خداوند شده است که اراده خداوند بر غلبه آنهاست: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱) إِنَّهُمْ

1. Krachkovski, p 361; Zeynalov, p. 420.

2. Ibid, p. 452.

لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (۱۷۲) وَ إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۱۷۳)». همان طور که مشاهده شد تعیین مرجع ضمیر یکی از مسائل مربوط به فهم آیه است و گاه ممکن است در مراجعه با آیات مجاور این مسأله روشن نگردد و لازم باشد به آیات هم‌موضوع آن در سوره مراجعه شود. لذا اگر مرجع ضمیر هم در «عنهم» به آیات پیشین بازگردد، این خطا به وجود می‌آید که به پیامبر دستور داده شده است که از جنود خداوند روی بگرداند. درحالی که با مراجعه به آیات هم‌موضوع آن یعنی ۱۶۷ تا ۱۶۹ باز می‌گردد که وصفی مجدد از مشرکان و گفتار ایشان است. در ترجمه‌های روسی چنین آمده است:^۱
کراچکوفسکی:

Отвернись же от них на время

زینالف:

Отвернись же от них до времени (определённого)

ترجمه زینالف از حیث ارتباط متنی به صحبت نزدیک است و نشان از تسلط وی به متن است.

۱۰-۲. آیه ۲۷ سوره حاقه

در این آیه معنای غیرزمانی فعل مدنظر است. یعنی در «یا لیتَّهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ» کافران شرایطی خلاف واقع را تصور کرده و آرزوی بازگشت دارند. لذا فعل ماضی در این آیه به صورت استعاری مفهوم عدم وقوع این آرزو را بیان می‌سازد. به همین دلیل ترکیب فوق اگرچه در وجه دستوری و ساختاری خود بر ماضی بعید در زبان فارسی دلالت نمی‌کند، اما چون بعیدبودن وقوع خواسته در مفهوم آیه واضح است؛ این ترجمه به صحت نزدیک است: «این کاش همه‌چیز (پیش‌ازاین و با مرگ اول) تمام شده بود». ترجمه‌های روسی معادل‌های زیر را بیان داشته‌اند که با توجه به استدلال‌های ذکر شده و مواردی که زینالف در داخل پرانتز آورده، ترجمه وی به صحیح‌تر است:

کراچکوفسکی:^۱

О, если бы это было кончающим!

زینالف:^۲

О, если бы (смерть) было кончающей (всё и не было Воскрешения).

نتایج پژوهش

کراچکوفسکی از مترجمان مشهور و کم‌نظیر در عرصه ترجمه قرآن کریم بوده که مورد تقلید بسیاری از مترجمان پس از خود قرار گرفته است. ترجمه وی به قدری تأثیرگذار بود که حتی تا دوران معاصر نیز، در کنار سایر ترجمه‌های جدید از آن به نیکی یادشده و هنوز مورد استفاده و توجه قرار دارد. به نظر نمی‌رسد این بذل توجه بی‌ارتباط به مجموعه تحقیقات او درباره قرآن باشد که منجر به دقت و بررسی‌های کارشناسانه درباره متن قرآن کریم شد. از سوی دیگر، زینالف مترجم شیعی معاصر قرآن کریم، با زیست در محیط حوزوی و انجام تحقیقات و ترجمه‌های بسیاری از عربی به روسی، دقت و توانایی خویش را در عرصه ترجمه بین این دو زبان به اثبات رساند. لذا در مقام مقایسه شاید بتوان گفت زینالف با علوم قرآنی و مطالب مرتبط با آن، بسیار بیشتر از کراچکوفسکی بوده است. زیرا در محیطی رشد کرده و از اساتیدی بهره گرفته که همگی به رشد وی در زمینه ترجمه قرآن کریم مؤثر بوده‌اند. بررسی در ترجمه این دو نیز این مطلب را نشان می‌دهد که این زیست در بوم قرآنی مانند ایران، امتیازی برای زینالف بوده که به‌خوبی از آن بهره گرفته و آن را در ترجمه خویش منعکس ساخته است.

منابع

۱. امانی، رضا؛ کریمی، شیدا؛ و صالحی، سیده‌زهرا (۱۳۹۳). ترجمه معناشناختی عناصر فعلی - اسمی در قرآن. مطالعات ترجمه قرآن حدیث، ۱(۲)، ۱-۲۴-۱.۲.۵.۲.۲۴-۱. DOR: 20.1001.1.24233757.1393.1.2.5.2.24-1

1. Krachkovski, p. 470.

2. Zeynalov, p. 576.

۲. پاکتچی، احمد(۱۳۷۷). گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی. علوم قرآن و حدیث، ترجمان وحی، ۳.
۳. حاتم، عمادالدین(۱۳۷۷). ترجمه قرآن کریم به زبان روسی (از سابلوکوف تا پروخووا). ترجمان وحی، ۲(۴).
۴. حدادعادل، غلامعلی (۱۳۸۸). ترجمه قرآن. تهران: مشعر.
۵. شجاعی، محسن(۱۳۹۰). تاریخچه ترجمه قرآن به زبان روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود. صحیفه مبین، ۵۰.
۶. السامرای، فاضل صالح (۱۹۹۸م). *التعبیر القرآنی*. اردن: دار عمار.
۷. دعاس، احمد عبید(۱۴۲۵ق). *اعراب القرآن الکریم* (جلد ۳). دمشق: دارالفارابی للمعارف.
۸. زمخشری، محمود(۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. دمشق: مؤسسه الرساله.
۱۰. فرشیدورد، خسرو(۱۳۸۷). *دستور مختصر تاریخی زبان فارسی*. تهران: خاشع.
۱۱. فخررازی (بی‌تا). *تفسیر الکبیر*. (جلد ۱۷).
۱۲. معروف، یحیی(۱۳۸۰). *فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۱۳. مقیاسی، حسن؛ و مقدسی‌نیا، مهدی؛ و عباسی، عالیه(۱۳۹۱). بررسی سازوکارهای مترجمان قرآن در ترجمه تمیز، مقاله‌های هفتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی (جلد ۱۰). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
14. Зейналова, Н,А, Коран, перевод с Арабского, Кум, Центр переводов Священного Корана, 2015.
15. Крачковский Игнатий, Коран, Наука, Москва, 1990.
16. Кулиев Эльмир, Коран, ЭКСМО, Москва, 2016.
17. Пулькина, И.М; учебник русского языка; издание пятое; издательство Русский язык, Москва, 1975.
18. Прохорова Валерия, Коран, РИПОЛ КЛАССИК, Москва 2014.